

**حضرت امام جواد** علیه السلام

لَنْ يَسْتَكْمَلَ الْعَبْدَ حَقِيقَةَ الْإِيْمَانِ حَتَّى يُؤْثِرَ دِيْنَهُ عَلَى شَهْوَتِهِ وَلَنْ يَهْلِكَ حَتَّى يُؤْثِرَ شَهْوَتَهُ عَلَى دِيْنِهِ .

بنده ، هرگز حقیقتِ ایمان را به کمال نمی‌رساند، مگر آن‌گاه که دینش را بر هوس خود ترجیح دهد و هرگز به هلاکت درنمی‌افتد، مگر زمانی که هوس خود را بر دینش ترجیح دهد.

کشف الغمّة: ۳/ ۱۳۸

آیت‌الله غروی

## مأموریت حوزه پیشرو پاسخگویی به نیازهای نوپدید جامعه است

در پیام رهبر معظم انقلاب به حوزه علمیه آمده است: «برنامه‌های درسی حوزه به‌گونه‌ای نوشته شود که فقه روشن‌بین، پاسخگو و به‌روز و البته فنی و متّکی به شیوه اجتهادی، همراه با فلسفه روشن و دارای امتداد اجتماعی و صاحب‌نظر در شاکله زندگی جامعه، در کنار دانش کلام رسا و استوار و دارای قدرت اقتناع، به‌وسیله استادان ماهر تدریس شود.

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای(KHAMENEI.IR) ، در سلسله مطالب پرونده «حوزه پیشرو و سرآمد» در گفت‌وگو با آیت‌الله سیدمحمد غروی، عضو شورای‌عالی حوزه‌های علمیه، ابعاد پیشرفت حوزه‌های علمیه را بررسی کرده است که تقدیم علاقه‌مندان محترم هفته‌نامه افق حوزه می‌شود.

■ **حوزه پیشرو و سرآمد چگونه محقق می‌شود؟ به‌عبارت دیگر ضرورت به‌روزشدن برای این حوزه قویم و عریق که بیش از ۱۳ قرن تاریخچه دارد و از بازتأسیس حوزه علمیه قم یک سده می‌گذرد، چیست و چگونه باید تحول در حوزه علمیه رقم بخورد؟**

● یکی از عوامل اصلی پویایی و بقای هر دانشی ـجه علوم حوزوی و چه غیرحوزوی ـ تحول است. تحول، امری پایان‌ناپذیر است و همین پویایی، ضامن ماندگاری آن علم یا نظام دانشی می‌شود. رهبر معظم انقلاب نیز همین انتظار را از حوزه دارند که حوزه نباید دچار رکود و ایستایی شود؛ بلکه باید در مسیر رشد، بالندگی و روزآمدی حرکت کند تا بتواند، نقش اصلی خود را ـ که شناخت دین، تبیین آن و دفاع از آن است ـ ایفا نماید. این نقش، تنها در صورتی محقق می‌شود که حوزه بتواند، متناسب با شرایط زمان و مکان تحول یابد و پاسخ‌گوی نیازها باشد.

در هر ساختار علمی و پژوهشی، این انتظار وجود دارد که متناسب با تحولات جامعه، رشد و پویایی نیز وجود داشته باشد. اگر برای یک علم اهدافی در نظر گرفته می‌شود، طبعاً باید آن علم نیز بتواند، متناسب با تحولات اجتماعی و فکری پیشرفت کند.

به‌ویژه در مورد حوزه علمیه، باید گفت که انقلاب اسلامی ایران باعث شد، بسیاری از ظرفیت‌هایی که در گذشته در انزوا بود و مجال ظهور نداشت، اکنون امکان بروز و فعالیت پیدا کند. ما امروز در یک نظام اسلامی زندگی می‌کنیم. نظامی که در آن سوالات جدید، چالش‌های نو و نیازهای فکری گسترده‌ای مطرح است.

امروز ما در حوزه‌های گوناگون مانند حقوق، اقتصاد، فرهنگ و مسائل اجتماعی، نیاز به نظام‌های اسلامی داریم. این‌ها حوزه‌هایی هستند که باید اسلامی باشند و این وظیفه، بر عهده حوزه است که پاسخ‌گو باشد؛ اما این پاسخ‌گویی زمانی میسر است که حوزه به یک «تحول واقعی» تن دهد؛ تحول در ساختار آموزشی، پژوهشی، اجتهادی و حتی در برخی مبانی اصولی، در صورتی که نیاز و زمینه‌اش وجود داشته باشد. گاهی لازم است، حوزه در برخی اصول، بازاندیشی کند؛ البته در چارچوب‌های علمی و اجتهادی خود.

گاهی محتوای علمی باید به‌روزرسانی شود و گاهی نیز روش‌های آموزشی و پژوهشی باید متحول گردد تا بتواند پاسخ‌گوی نیازهای نوپدید باشد؛ چراکه نظام اسلامی ما، مسائلی دارد که در نظام‌های پیش از آن مطرح نبوده است؛ از این‌رو، نیاز به پاسخ‌های جدید و رویکردهای اجتهادی نوین داریم و این یعنی تحول واقعی. حوزه علمیه باید بتواند نیازهای فکری نظام اسلامی را تأمین کند، از اسلامیت نظام پاسداری کند و پاسخ‌گوی مسائل مستحدثه باشد. این مهم، بدون تحول امکان‌پذیر نیست.

■ **به‌نظر شما، مهم‌ترین چالش‌هایی که جامعه اسلامی امروز با آن مواجه است و حوزه باید برای آن‌ها پاسخ فراهم کند، چیست؟**

● امروز جامعه با مسائل گوناگون، به‌ویژه در عرصه‌های اقتصادی و حقوقی مواجه است. ما با نظام‌هایی روبه‌رو هستیم که باید اسلامی باشند؛ از نظام اقتصادی گرفته تا نظام حقوقی و دیگر ساختارها و سامانه‌هایی که در اداره جامعه نقش دارند. تحقق این هدف، مستلزم ورود جدی حوزه و درگیرشدن با این مسائل است. این تفاوت دارد با آنکه صرفاً به برخی از مسائل فقهی خاص پرداخته شود که گاه از مسائل کلان نظام فاصله دارند.

در فقه، مباحثی مانند مکاسب، انواع معاملات، عقود و امثال آن داریم؛ اما این‌ها غالباً مجزا از هم هستند و در قالب یک نظام منسجم مطرح نشده‌اند. حال آنکه آنچه مورد نیاز جامعه اسلامی است، نظام‌سازی است؛ نظامی منسجم که بتواند پاسخگویی نیازهای نوظهور باشد. شهید صدررحمته‌الله، بخشی از عمر پربرتک خود را صرف این مقوله کرد و وارد این میدان شد. نظام‌سازی، خود مسأله‌ای مستقل و کلان است و چه‌بسا برای تحقق آن، نیاز باشد از برخی فتاوای گذشته بهره‌گیری جدیدی صورت پذیرد تا بتوان یک ساختار هماهنگ و کارآمد بنا نهاد.

طبعاً این‌گونه نیست که دیگران هیچ نقشی نداشته باشند یا نقش خود را ایفا نکرده باشند؛ اما اصل نظارت، هدایت و تأمین فکری این فرآیند، باید با حوزه باشد. در زمینه‌های گوناگون از جمله حقوق،



اقتصاد، سیاست و غیره، ما به تحقیقاتی بنیادین نیاز داریم؛ به‌عنوان نمونه، جای خالی پژوهشی جامع در مورد نظام سیاسی از منظر اهل‌بیت علیهم‌السلام را به‌روشنی حس می‌کنم؛ از بعثت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تا آغاز غیبت صغری، نزدیک به ۲۶۰ سال فاصله زمانی بود. در این مدت، حضرات معصومین علیهم‌السلام، هر یک به‌نحوی در متن جامعه بودند و با مسائل اجتماعی و سیاسی تعامل داشتند. ما معتقدیم که اگر امامی در جایگاه امام دیگر قرار می‌گرفت، همان‌گونه رفتار می‌کرد که او رفتار کرد. این یعنی شناخت دقیق متغیرهای هر عصر و تطبیق رفتار ائمه علیهم‌السلام با شرایط آن زمان. این شناخت، امروز برای ما حیاتی است تا بتوانیم، در موقعیت‌های ترکیبی و پیچیده، مواضع درست و مطابق با سیره معصوم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اتخاذ کنیم. نیاز است که در حوزه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی، بهداشتی کار دقیق و عمیق صورت گیرد؛ بحث من این است که هر یک از این حوزه‌ها جای کار دارد و نباید اجازه داد، اختلاف‌نظرهای سطحی به تفرقه بینجامد.

مخاطبان امروز ما دیگر همان مخاطبان گذشته نیستند. ادبیات و توقعات‌شان متفاوت شده است. باید محتوای دینی و انقلابی را به زبانی بیان کنیم که برای آن‌ها قابل فهم و پذیرش باشد؛ بی‌آنکه از محتوا کاسته شود. اسلام ناب، به‌ویژه در چارچوب اهداف اولیه شریعت، هیچ کمبودی ندارد. کمبود، در تبیین ماست. اگر حوزه بخواهد نقش خود را به‌درستی ایفا کند، باید بتواند اسلام ناب را به‌روشنی و با زبانی گویا برای همگان بیان کند.

■ **رهبر انقلاب همواره بر ارتقای سطح اخلاق و معرفت طلاب تأکید ویژه‌ای داشته‌اند. در پیام رهبر انقلاب به حوزه علمیه آمده است: «حوزه نیازمند تحزّزی بیش از گذشته در تأکید بر توصیه‌های اخلاقی است.»(۱۴۰۴/۰۴/۱۷) به نظر شما در فرآیندهای آموزشی و تربیتی حوزه چه تغییراتی باید ایجاد شود تا در زمینه تهذیب و متخلّق‌شدن طلاب و روحانیون به سطح مطلوب، برسیم؟**

● باید بین مسائل اخلاقی و مسائل آموزشی تفاوت قائل شویم. این دو مقوله متفاوت‌اند. درباره اخلاق، به‌نظرم در همه سطوح حوزه، باید مفاهیم اخلاقی به‌صورت جدی و مستمر به طلاب منتقل شود؛ البته نه صرفاً با موطظه یا درس‌گفتار. مهم‌تر از آن، فضا باید فضایی اخلاقی باشد. این‌که اساتید، مدیران، کارمندان و کل ساختار اجرایی حوزه چگونه رفتار می‌کنند، در تربیت اخلاقی طلاب بسیار تأثیر دارد. باید افرادی که این مفاهیم را منتقل می‌کنند، خودشان متصف به فضائل اخلاقی باشند؛ نه این‌که خودشان دچار همان آسیب‌هایی باشند که از آن سخن می‌گویند.

فضای مدارس، رفتار مدیران، ارتباط اساتید با طلاب و حتی حفظ حرمت و عرت طلبه‌ها در مدرسه همه در این زمینه نقش دارد. ما به مدیرانی نیاز داریم که فقط مدیر اجرایی نباشند؛ بلکه آقا باشند؛ یعنی کسی که دارای الگوی رفتاری و اهل ارتباط و رفاقت با طلبه‌ها باشد و بتواند با آن‌ها صحبت کند، می‌تواند الگوی‌شان باشد. من چند سالی در مدرسه آیت‌الله مجتهدی تهرانیرحمته‌الله بودم. ایشان همه فکر و ذکرش طلبه بود. خودش پای کار بود. درس‌هایی را طوری تنظیم می‌کرد که اکثریت طلبه‌ها شرکت کنند؛ مثلاً تجزیه و ترکیب و... . اخلاص‌شان کاملاً محسوس بود و همین در طلاب تأثیر می‌گذاشت. حضور افرادی با چنین روحیه‌هایی در مدارس، به‌خصوص در سال‌های آغازین طلبگی، بسیار اهمیت دارد؛ چون آن سال‌ها، هم پایه‌های علمی و هم پایه‌های اخلاقی طلاب شکل می‌گیرد. آن‌هم با پرهیز از افراط و تفریط؛ نه این‌که طلاب را منزوی کنیم، نه این‌که درگیر حواشی‌شان کنیم. باید متعادل و عمیق و همه‌جانبه با این مسأله برخورد کرد. رهبر معظم انقلاب هم، دقیقاً همین نگاه را دارند. ایشان در یکی از سفرهای‌شان به قم، بر این مسأله تأکید داشتند که کسی باید خودش به این مرحله از اخلاق رسیده باشد تا بتواند مؤثر باشد. باید از سیره بزرگان بهره بگیریم. در یک کلام، برای تحول اخلاقی در حوزه، بیش از آن‌که به حرف و موعظه نیاز باشد، به الگو نیاز داریم. افرادی که هم اهل علم باشند و هم اهل عمل. هم اخلاق را بداند، هم زندگی کرده باشند.

**آیت‌الله العظمی بهجت رحمته‌الله**

باید بدانیم که علاج ما اصلاح نفس است در همه مراحل و از این مستغنی نخواهیم بود و بدون این، کار ما تمام نخواهد شد. با اعتراف به اینکه عمل از خودمان است که به سر ما آمده و می‌آید، تا خودمان را اصلاح نکنیم و با خدا ارتباط نداشته باشیم و با نماینده‌های خدا ارتباط نداشته باشیم، کارمان درست نمی‌شود.

کتاب به سوی محبوب

■ **رهبر انقلاب همواره علاوه بر تأکید بر تهذیب نفس و اخلاق طلاب، بر مفاهیمی همچون «خدمات اجتماعی» «بصیرت» و «مسئولیت‌پذیری» طلاب پافشاری دارند. به‌نظر شما، برای تحقق کارآمدی در تبلیغ دینی و اثرگذاری نهاد حوزه، چه تغییراتی باید در نظام تربیتی حوزه ایجاد شود؟**

پیش از هر چیز، باید موقعیت تاریخی و جغرافیایی خودمان را به‌درستی ترسیم کنیم؛ بدانیم که در کجای تاریخ ایستاده‌ایم، چه وظیفه‌ای بر عهده داریم و در آینده می‌خواهیم چه نقشی ایفا کنیم؟ این نگاه راهبردی، شرط اول هر تحولی است.

اگر هدف، تربیت یک مبلغ تأثیرگذار دینی است، باید ابزار تحقق این هدف فراهم باشد؛ مبلغی که نه با رقابت ناسالم و خودنمایی، بلکه با عمق علمی و اخلاقی، بتواند پیام دین را به جامعه منتقل کند. از سوی دیگر، ممکن است برخی طلاب علاقه‌مند به عرصه‌های خاصی همچون مباحث عقلی، کلامی، تفسیر یا تحقیق باشند. باید نظام آموزشی به‌گونه‌ای طراحی شود که این ظرفیت‌ها را بشناسد، پروراند و جهت‌دهی کند.

طلبه باید بداند در چه افق‌هایی می‌تواند رشد کند. شناخت وظایف داخلی و بین‌المللی روحانیت شیعه، با توجه به غنای عظیم مکتب اسلام و تشیع، از واجبات امروز ماست؛ اما این شناخت زمانی مؤثر است که با روزآمدی همراه باشد؛ نه با کاستن از اصول و نه با نادیده گرفتن حقیقت‌ها.

به‌نظر من، طلبه باید پس از طی دوره‌ای از تحصیل عمومی، متناسب با استعداد خود، در یکی از رشته‌های تخصصی تمرکز کند؛ البته این تخصص نباید به‌معنای تک‌بعدی شدن باشد. نظام آموزشی باید به‌گونه‌ای باشد که طلبه در عین تمرکز، دید وسیع و نگاهی جامع داشته باشد.

ما نیازمند «ملای جامع‌الاطراف» هستیم؛ کسی که علاوه بر فقه و اصول، با علوم قرآنی، فلسفه دین، کلام جدید و حتی علوم انسانی مانند روان‌شناسی، جامعه‌شناسی یا مدیریت آشنا باشد؛ اما بدیهی است که جمع همه این‌ها در یک نفر، کار ساده‌ای نیست. از این‌رو، لازم است سازوکاری طراحی شود که طلاب از ابتدا مسیر خود را بشناسند. مثلاً باید بروشورها و راهنماهایی تهیه شود تا طلبه‌ها بدانند که دوره عمومی حوزه چه اهدافی را دنبال می‌کند و پس از آن، چه رشته‌ها و گرایش‌هایی در سطوح بالاتر در انتظارشان است.

این مسأله از همه مهم‌تر است. روحانیت زمانی می‌تواند تأثیرگذار باشد که از نظر معنوی و اخلاقی نیز ساخته شده باشد. علم، شرط لازم است؛ اما کافی نیست. اگر روحانی وابسته به دنیا شد، تأثیرگذاری‌اش از میان می‌رود. طلبه باید بداند که سرباز امام زمان علیه‌السلام است؛ باید چشمش به خدا باشد و دلش متصل به او. درواقع، محور اصلی تحول در حوزه باید همین باشد؛ تربیت انسانی که توکل، تسلیم و تعهد الهی در او نهادینه شده باشد. نظام آموزشی و تربیتی باید هم، از نظر محتوایی و هم از نظر روش‌ها دچار تحول شود. گاه حتی منابع درسی نیز باید بازنگری شوند؛ البته با حفظ استحکام علمی.

محور همه‌چیز باید «خدا» باشد. اگر این نگاه حاکم شود، حوزه به ایده‌آل نزدیک خواهد شد؛ البته هنوز فاصله داریم. تفاوت حوزه علمیه با نهادهای دانشگاهی در همین است. ما باید برای رسیدن به آن افق بلند، همه از بالا تا پایین، تلاش کنیم.

■ **رهبر انقلاب ضمن تأکید بر تحول در حوزه، همواره بر حفظ و تقویت سنت‌های اصیل حوزه مانند مباحثه، توجه استاد به شاگرد، آداب طلبگی و... تأکید دارند. به‌نظر شما در مسیر تحقق حوزه پیشرو سرآمد، چگونه می‌توان این سنت‌ها را حفظ و حتی تقویت کرد؟**

● همان‌گونه که رهبر معظم انقلاب نیز بارها تأکید فرموده‌اند، ما باید سنت‌های حوزه را حفظ کنیم. از جمله این سنت‌ها می‌توان به پیش مطالعه، مباحثه، حاشیه‌نویسی و تقریرنویسی اشاره کرد. این‌ها از ارکان مهم رشد علمی طلبه‌اند. افزون بر این، استاد و شاگرد در گذشته ساعتی را در کنار یکدیگر می‌نشستند و مسائل علمی را به بحث می‌گذاشتند. این گفت‌وگوهای علمی، بخش مهمی از فرایند تربیت طلبه را تشکیل می‌داد.

تجربه نشان داده است که قالب‌های واحدی و نظام‌مند دانشگاهی، به‌ویژه وقتی با ساختار «دو واحد و سه واحد» همراه می‌شود، کارآمدی لازم را برای حوزه ندارد. در حوزه، درس‌ها معمولاً از نیم‌ساعت تا نهایتاً یک ساعت‌اند؛ این زمان‌بندی کاملاً متناسب با توان دریافت و تمرکز طلبه است. استاد اگر در همان بیست تا سی دقیقه ابتدایی بتواند اصل مطلب را منتقل کند، فایده علمی حاصل می‌شود. درس‌های طولانی‌مدت، به‌ویژه اگر بدون تعامل و پرسش‌وپاسخ باشند، عملاً اثر تربیتی خود را از دست می‌دهند.

در سال‌های ۵۴ تا ۵۸ در مؤسسه در راه حق، برنامه‌ای آموزشی داشتیم که مرحوم آیت‌الله مصباح یزدی رحمته‌الله از جمله اساتید آن بودند. ایشان همواره سؤال می‌پرسیدند و این روش، تأثیر شگرفی در عمق‌بخشی به فهم طلاب داشت؛ حتی در دروسی مانند نه‌ایة‌الحکمه، منظومه یا اشارات که پیش‌تر خوانده بودیم، باز هم با روش پرسش‌محور ایشان، مطالب جدیدی برای‌مان روشن می‌شد. پیشنهاد من این است که طلبه از همان ابتدا، خود را درگیر متن کند. مثلاً در شرح لمعه، طلبه باید پیش‌مطالعه کند، عبارت را بفهمد و در درس مشارکت فعال داشته باشد. در ابتدا ممکن است تنها پنج درصد مطالب را دریابد؛ اما با استمرار، این میزان به هشتاد یا حتی نود درصد می‌رسد. استاد هم می‌تواند به‌جای

## افق‌حوزه

- سال بیست و سوم
- شماره ۸۴۱
- دوشنبه ۵ خرداد ۱۴۰۴
- ۱۲ صفحه • ۵۰۰۰ تومان

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div>صاحب امتیاز: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه</div></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div>مسئول مرکز رسانه و فضای مجازی حوزه‌های علمیه: رضارستمی</div></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div>سردبیر: رمضانعلی عزیزی   با همکاری هیأت تحریریه</div></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div>تلفن: ۰۳۲۹-۰۵۳۸   شماره: ۰۳۲۹-۱۵۲۳</div></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div>صندوق پستی: ۳۷۱۸۵/۴۳۸۱</div></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div>نشانی: قم، بلوار جمهوری اسلامی، کوچه ۲، پلاک ۱۵</div></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div>پایگاه اینترنتی: www.ofoghhawzah.ir</div></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div>پست الکترونیکی: info@ofoghhawzah.ir</div></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div>کارشناس فنی چاپ: مصطفی اویسی • چاپ: صمیم (۰۴) ۶۵۵۸۶۸۰</div></div>

✉ **عطریار**

**ولی عصر اکجایی؟**

غلامرضا سازگار

مدینه، مکه، نجف، کاظمین، کرب وبلایی عزیز مصر ولایت! ولی عصر! کجایی؟ صفا و مروه و حجر و حطیم و کعبه و زمزم تمام، دیده به ره دوختند تا تو بیایی گهی به سامره گاهی کنار مسجد کوفه گهی برای زیارت کنار قبر رضایی بیا که پرچم خون خداست چشم‌به‌راحت بیا که منتقم خون سیدالشهدایی خداکند به حرم با دو چشم خویش ببینم که بین حجر و حجر رخ به حاجیان بنمایی رسد ندای انا المهدیات ز کعبه به عالم از این ندا همه را جان دهی و دل بریایی سپاه بدر و سپاه تو هم عدد بود آری تو در مقام و جلال و شرف، رسول خدایی ز چشم خود گله دارم نه از تو ای گل نرگس که با منی همه جا و نبینمت به کجایی پیمبر است به شهر مدینه چشم‌به‌راحت که اشک ریزی و بر انتقام فاطمه آیی دعای شیعه همین ذکر «میتم» است که گوید عزیز فاطمه! مولّا! بیا تو صاحب مایی

تدریس یک‌سویه، از طلبه بخواهد که مطلب را تقریر کند. این تمرین، هم فهم او را تقویت می‌کند و هم به او اعتماد به نفس می‌دهد.

اگر طلبه با مطالعه و مباحثه عمیق رشد کند، می‌تواند به‌جای اینکه صرفاً منتظر تدریس استاد بماند، بسیاری از ابواب این کتب را خودش بخواند و با دوستانش مباحثه کند. روش آسیب‌زایی که گاه در برخی مدارس دیده می‌شود، این است که بخشی از کتاب را درس دهند، از همان بخش امتحان بگیرند و بخش‌های دیگر را رها کنند؛ در حالی‌که بسیاری از بزرگان، مانند برخی از مراجع ما، تمام رسائل، مکاسب و کفایه را به‌صورت کامل خوانده و مباحثه کرده‌اند.

ما باید آن سنت‌های خوب گذشته را احیا کنیم و با شرایط امروز تکمیل‌شان نماییم. نظام آموزشی حوزه، نیازمند بازنگری و کار جدی است؛ البته ممکن است برخی انتظارات در جمع‌های وسیع محقق نشود؛ اما اصل باید بر تمرکز، انس با متن، مباحثه مستمر و تربیت علمی عمیق باشد. طلبه باید در طول دوره تحصیل، همواره مشغول درس، مطالعه، مباحثه و نوشتن باشد. خوشبختانه در برخی مدارس این رویکرد در حال اجراس‌ت و ظرفیت‌های فراوانی برای توسعه آن وجود دارد. ■ **در پیام رهبر انقلاب اسلامی به همایش بین‌المللی یکصدمین سالگشت بازتأسیس حوزه علمیه قم، آمده است: «پدیده‌های پیچیده و پُر تعداد در زندگی امروز مردم، سؤال‌های بی‌سابقه‌ای را پیش می‌آورد که فقه معاصر باید پاسخ آنها را آماده داشته باشد.»(۱۴۰۴/۲/۱۷) به نظر حضرت‌عالی، حوزه علمیه چه نقشی در پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه دارند؟**

● ما نیازمند رشته‌های تخصصی هستیم؛ اما این تخصص‌ها اگر قرار است، به حل مشکلات جامعه کمک کنند، باید بر پایه‌های علمی و حوزوی مستحکم بنا شوند؛ مثلاً اگر کسی بخواهد در عرصه اقتصاد اسلامی فعالیت کند، ابتدا باید اقتصاد را در سطوح مختلف بشناسد؛ اقتصاد کلان، اقتصاد خرد، نظام بانکی، پولی و...؛ باید هویت این مفاهیم را درک کند.

بدون شناخت دقیق، نمی‌توان وارد نقد یا اصلاح شد. ما باید ابتدا حرف‌های طرف مقابل را بفهمیم، سپس اگر نقدی داریم، ارائه کنیم. نه این‌که همه‌چیز را از صفر شروع کنیم. این دیدگاه اصلاً درست نیست. باید وارد عمل و تجربه شویم و ببینیم، چه میزان از این مباحث قابل اصلاح و کاربردی برای نظام ماست.

این کار هم‌اکنون در برخی بخش‌ها آغاز شده است. از اوایل دهه ۶۰، با تأکید امام و پیگیری‌هایی از سوی مرحوم آیت‌الله مصباح و دیگر بزرگان، رشته‌هایی مانند روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و... در حوزه وارد شده‌اند؛ اما همچنان راه زیادی در پیش داریم.

ما به فقه و اصولی حوزوی نیاز داریم. این‌ها پایه‌های حوزه‌اند و نباید نادیده گرفته شوند؛ ولی در کنار آن‌ها، باید رشته‌های تخصصی را جدی بگیریم و طلبه‌هایی را تربیت کنیم که هم بنیه علمی حوزوی داشته باشند و هم با علوم تخصصی آشنا باشند.